



گفتارهایی از امیرمؤمنان پیرامون امام زمان

# نشان صبح سپید

سید محمدرضا دین پرور

معرفی و بررسی کتاب حاضر در هفته نامه

### «کتاب هفته»

شماره ۳۳ شنبه ۱۰ آذرماه ۱۳۸۰

این کتاب اثری است شاعرانه با ترجمه‌هایی زیبا و شعرگونه از روایات منقول از امیرمؤمنان علی(ع) در اوصاف مهدی منتظر(عج). صفحه آرایی زیبای کتاب، حروفچینی تقطیع شده و چشم‌نواز روایتها، چگونگی ارائه مأخذ احادیث در پای هر کدام، قرارگرفتن یک شعر یا شعرگونه کوتاه در بالای هر روایت با حروفی متفاوت، اعرابگذاری احادیث، ترجمه‌های روبه‌روی روایات در صفحه دیگر و... به این کتاب و ظاهر و محتوای آن ویژگی و شخصیتی متمایز از دیگر آثاری بخشیده است که می‌توانند با همین مضمون چاپ شوند.

این کتاب نمونه‌ای زیبا برای آنهاست که به دنبال کاری متفاوت در عرصه کتاب آفرینی دینی به ویژه برای نسل جوان‌اند. ❀

«چاپ دوّم»



دین پرور، محمدرضا، ۱۳۴۰ -

نشان صبح سپید: گفتارهایی از امیرمؤمنان علی (ع)  
پیرامون امام زمان (عج)/گردآوری و ترجمه: محمدرضا دین پرور.  
- تهران: ۱۳۷۹، ۹۶ صفحه، ISBN: 964-6348-36-X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا، عنوان دیگر:  
۴۳ (چهل و سه) حدیث از علی (ع) پیرامون امام زمان (عج)  
بهمراه ترجمه و قطعات ادبی، فارسی - عربی،  
چاپ دوم: ۱۳۸۱: ۴۵۰۰ ریال.

۱. علی بن ابیطالب، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت، ۴۰ ق. - نظریه درباره مهدویت  
۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث.  
۳. مهدویت - پیشگوییها.

۴. مهدویت - الف. احادیث، ب. عنوان، ج. عنوان، ترجمه ۴۳ (چهل و سه)  
حدیث از علی (ع) پیرامون امام زمان (ع).

۲۹۷/۹۵۱۵ BP۳۸/۰۹/م۹۵۹

کتابخانه ملی ایران ۱۳۵۲۹-۷۹م

## نشان صبح سپید

گفتارهایی از امیرمؤمنان علی (ع) پیرامون امام زمان (عج)

گردآوری و ترجمه: سید محمدرضا دین پرور

چاپ دوم: ۱۳۸۱ - تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰ تومان - شابک: 964-6348-36-x

حروف نگار و صفحه آرا: طاهره غفاریان

کلیه حقوق تألیف و پخش و نشر محفوظ می باشد.

تهران - خیابان استاد نجات الاهی - کوچه افشین - پلاک ۸

تلفن: ۸۹۰۰۳۶۳

در کوچه‌های سرد و خلوت پاییز  
آنک ظهور عشق و جوانی  
نوای عید و بوی بهاران  
حضور یار و ترنم باران



تقدیم به شما که قلبتان؛ مالا مال محبت و عشق است و  
دستتان؛ دستاویزی دستگیر می‌جوید.. و پشتتان؛ تکیه‌گاد و پناهی استوار و مقاوم  
و چشمتان؛ گوشه کناردهای افق را به انتظار نشسته است.  
تقدیم به شما که نور سبز هدایت را چشم دوخته‌اید،  
و عدل و عدالت را به انتظارید.

حتی به دیداری،  
- کوتاهتر از چرخش زلفی،  
در نسیم سحرگاهی-  
نایل نگشته‌ایم.

## فهرست گفتارها

دور نیست ۱۵.....	۱
چرخ می‌گردد ۱۵.....	۲
نجوای علی؛ آرزوهای ما ۱۷.....	۲
نجوا و زمزمه‌های شبانه‌اش ۱۹.....	۴
یکسانی و مساوات ۲۱.....	۵

۶	..... بلندای آرزوهای علی؛ ظهور عدل و عدالت ۲۳
۷	..... مشرق و مغرب؛ به یک محفل ۲۳
۸	..... از پس قرون، بشارتشان را میدهد و الاسفا که ما نمیشناسیمشان! ۲۵
۹	..... هنگامه قیام ۲۵
۱۰	..... آشکار شدن دین واقعی خداوند ۲۷
۱۱	..... نابودی ظلم و شقاوت ۲۹
۱۲	..... از ماست که بر ماست! ۲۹
۱۳	..... از کناره‌کرانه‌های افق ۳۱
۱۴	..... در قدس با مسیح ۳۳
۱۵	..... اسلام سترون نیست و فرزندانِ زمانِ خود را دارد ۳۵
۱۶	..... رهایی از بلا و فتنه‌ها ۳۷
۱۷	..... بی تکیه‌گاد و امید، از پس دروازه‌های هجر ۳۷
۱۸	..... صلح فراگیر ۳۹
۱۹	..... عاقبت، سپیده می‌دمد ۳۹
۲۰	..... کار درستان روزگار مهدی ۴۱
۲۱	..... خوشترین لحظه‌های خوشی ۴۱
۲۲	..... قدر مجموعه گل، مرغ سحر داند و بس ۴۳
۲۳	..... ناز شست و صفای قدمت! ۴۳
۲۴	..... خوش خبر باشی ۴۵
۲۵	..... همگی؛ همگون و هماهنگ در جشن پیروزی ۴۷

قانون هستی ۵۱	۲۶
هر زمانی؛ شمع فروزانی ۵۲	۲۷
بر یک مسیر ۵۵	۲۸
کجایی ای یگانه دُر رخشان ۵۷	۲۹
در فراقش ۵۹	۳۰
در اضطراب و آشوب، آرام بگیرد ۶۱	۳۱
حق و ناحق ۶۳	۳۲
هر دورانی؛ مهر تابانی ۶۵	۳۳
دل به خورشید دهیم ۶۷	۳۴
فلسفه وجودی امام قائم (بی تکیه گاد و پناد) ۶۷	۳۵
در قهقرا و غم، رنگ بی غمی خوش است. ۶۹	۳۶
ویرانه؛ آباد ۷۱	۳۷
پناد خدایی ۷۳	۳۸
لیقوم الناس بالقسط ۷۳	۳۹
تر و خشک با هم! ۷۵	۴۰
به ظالم رو نیاورید ۷۷	۴۱
روشنی چشم شما ۷۹	۴۲
رد یافتگان! گرد هم آئید. ۸۱	۴۳
برای مسیحیان ۸۴	۴۴
در زلال زمزم دوست ۸۷	۴۵



شامگاهان، نور سیمگون ماه؛

شانه گیسوان چون شبق انتظار تو است

و سحرگاهان - هر صبح - پرتوهای طلایی خورشید؛

نوازش چشم و مژگان منتظران براه تو است.

آخرین آیین الهی و انسانی؛

به نیم شبی از گوشه غاری بر فراز کوهی رخ نمود،

و شعاع درخشان حضور؛ تا سر چاهی در سامرا سایه گسترده.

پرتوهای طلایی وحی در حرکتی نمادین "از غار تا چاد"؛

بر عالی و دانی هستی و بالا و پایین پهنه گیتی، دامن گسترده،

و جایی نماند که فروغ دلنوازش آنرا ننوازد.

و حال که خورشید رخشان حضور، به پشت پرده‌های غیبت خرامیده،  
همت انسانهای والایی که دم پر خورشید و حی، وجودشان را به بیداری کشانده،  
روح عشق و هستی‌رامی نیوشند و هر لحظه شاهد حق و حقیقت را در بر می‌کشند.  
و این پرتوهای درخشان از کلام علی است که:

تمام خیر و خوبی در این دوره نهفته است.

و ما همچون جنگلی خشک که در سکوت و خاموشی،

بهار را به انتظار نشسته‌است؛ به طلوع و دیدار رویش چشم دوخته‌ایم.  
آری، انسان که در زوایای تاریک و گمشده زبور نیز این نوید و  
بشارت آمده، به یقین کلید فتح زمین را نیکان و پاکمردان به ارث می‌برند  
و امن و آسایش در حضور او برقرار می‌گردد. «لِیَبْدَلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»

چون پرده‌های ناپیدای غیبتش کنار رود؛ عطر متراکم حضورش،

هستی را پر سازد، و مردمان به صلاح در آیند و سلام و امن و امان.  
آنروز، پرده‌های زمان کنار رود و وارثان قربانیان گورهای خاموش  
فراموش شده در طول تاریخ از چنگال دژخیمان نجات یابند.

آنروز، سایه سیاه قرن‌ها به محاق اندر رود،

و دخترکان معصوم از گورهای عصبیت و نادانی رها شوند.

آنروز، هزاران هزار استعداد ناشناخته که امکان ظهور و بروز نیافتند  
به شکوفه نشینند و در حضور احیاگر و جادوی روحنوازش؛ مست و  
با نگاه چون اخگر و دلنواز بهارینش، زنده شوند.

آنروز، دسته دسته کودکانی که در پای خدایان دروغین و خودساخته

قربانی می شدند؛ برآیند و به دامان سپید سعادت پناه جویند و  
از صدای دلپذیر و نوای دلنشینش؛ مدهوش،  
و با عطر دل انگیز و یادشورانگیزش بیدار شوند.  
آنرون، آنان که کرامت والای انسانیت خود را به پای صاحبان زر و  
زور و تزویر می ریختند از جمال دادگر و روی دلارایش روشنی گیرند  
و با یاد آشوبگر و صفای قدمش در شور افتند.  
و ما.. به فصل رویش اوست که بر ساقه های امیدبخش و حرکت زایش  
خیره می شویم و به گاه دمیدن پرمهر خورشید وجودش است که بر  
جبین جذاب و صفای قدمش سر می بازیم و بر بساط حُسن وجودش  
است که گرمی زاترین تپش قلبمان را نثار می کنیم.  
بر خیال عشق و اندر خدمت قامت رعناى اوست که همه آفاق را در  
امان و سلامت آوریم.  
از سرمستی شکر لبان اوست که خُماری و راز در دل نهفته مان را بر  
هر کوی و برزن صلا دراندازیم و از جلوه گاه حُسن روی اوست که  
نقشها در آئینه و فروغها در جام دراندازیم.  
شراب ارغوانی را، گلاب اندر قدح ریزیم  
نسیم عطر گردان را شکر در مجمر اندازیم  
چو در دستت رودی خوش، بزن مطرب سرودی خوش  
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سراندازیم  
صبا خاک وجود ما بدان عالی جناب انداز  
بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

١ - نظرَ أمير المؤمنين عليُّ إلى الحسين - عليهما السلام - فقال:  
سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ،  
يُشْبِهُهُ فِي الْخُلُقِ وَالْخُلُقِ  
يَخْرُجُ

عَلَى حِينِ غَفَلَةٍ مِنَ النَّاسِ  
وَإِمَاتَةٍ لِلْحَقِّ وَإِظْهَارٍ لِلْجَوْرِ،  
يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَسُكَّانُهَا.  
وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا.

خروج مكي كبرياء

٢ - وَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):  
لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأُمَّتِي،  
رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ،  
يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا،  
كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا.



غيبة النعماني: ٢١٤ - ٢١٥

ملاحم ابن طاووس: ١٢٤

غيبة للطوسي: ١٨٩



الصراط المستقيم: ١١٥/٢

ای در حضور تو : عطر تمامی گلها

ای باری در روح زمانها

۱ - چون علی به حسینش - علیهما السلام - نظر کرد فرمود:

دور نیست که خداوند از نسل تو، مردی همانام پیامبر، آشکار سازد که

در خوی و خلقت و ظاهر و باطن نیز بدو مانند باشد.

آنگاه که همه در غفلت و بی خبری فرو روند،

و به گاهی که حق بمیرد و ستم جلوه‌گری کند؛

او خروج می‌نماید.

اهل آسمانها و ساکنانش از قیام او شاد گردند، چرا که او

عدل و عدالت را در گوشه گوشه زمین ستم زده، آشکار سازد.

چه سپیده مقدّس

که در آستین فرداست

۲ - علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که:

چرخ دنیا از گردش نمی‌ایستد تا اینکه در میانه امّت،

مردی از سلاله حسین برخیزد،

و این آنهنگام است که دنیا را خرابی و ستم فرا گیرد،

پس آنگاه او عدل و داد را به هرکس می‌چشاند.

## نَجْوَاهُ عَالِي عَالِي؛ أَرْزُوهُنَايَ مَا

٣ - قال أمير المؤمنين عليُّ في صفة المهديِّ - عليهما السلام -:

أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا،  
وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا،  
وَأَوْصَلُكُمْ رَحِمًا،

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَعَثَهُ خُرُوجًا مِنَ الْغُمَّةِ  
وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ.

فَإِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ  
فَاعْزِمْ وَلَا تَنْتَنِ عَنَّهُ،  
إِنْ وُفِّقْتَ لَهُ وَلَا تَجُوزَنَّ عَنَّهُ إِنْ هُدِيَ إِلَيْهِ،

- وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ -  
هَاهُ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ.

پناه و نوری و پیوند

۳ - علی (ع)، امام غائب را اینچنین توصیف می‌کند:

پناه و پشتیبانیش از شما؛ فراگیرترین پناه است،

و دانشش؛ فزون‌ترین،

و پیوندش؛ پیوسته‌ترین [و به وسعت آسمانها و زمین].

تو بیا که جمله هستی

به صفای تو بگردد

خداوندا! برانگیختنش را گریزگاهی از غم و اندوهمان قرار ده،

و به ظهورش مردمان را از پراکندگی و تشتت و دوری و

دورنگی‌های بخش و همدلشان کن.

آنگاه حضرت به یارش فرمود:

اگر خداوند به آن زمانت زنده داشت و برگزیدت که یارش باشی؛

بر جدیت و کوشش بی‌فزا و از راد، روی برمگردان،

و اگر بدان سوره یافتی، ره‌ایش مکن.

عطر تو در عمق لفظ‌هاست

یاد تو در جان زندگی‌است

صدا و نوایت به گوش زمان جاری‌است

آنگاه انگار که حضرت به او جها ره می‌گشود فرمود:

آه! که چه شوقی به دیدن رویش دارم.

تُجْعَلُ فِي رُؤْيَايَ وَرُؤْيَايَ فِي تَشْبَاهِهَا

٤ - قال عليُّ (ع): كَأَنِّي بِهِ يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
حَقًّا حَقًّا،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا،  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا.  
اللَّهُمَّ! مُعِينَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٍ،  
وَمُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ،  
أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبَ،  
وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِمَا رَحُبَتْ.  
اللَّهُمَّ! خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا  
وَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.  
يَا مُبْعَثَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا،

وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا،  
وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ،  
فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ.



بوز ای نسیم الهام سواعل مقدّس

۴ - علی (ع) فرمود: گویی مهدی؛ آن امام غائب را می بینم که در هر طریقی نشانی می گذارد و راز و نیاز می کند که:

خداوندا! می گویم و از سر حق و حق پرستی گویم:

که جز تو معبودی نیست!

از سر صدق و ایمانم نوا سر دهم که جز تو آفریدگاری نیست!  
سر بندگی بر آستانت می سایم و فرمانت را گردن می نهم،  
و می سرایم که جز تو یکتا؛ خدایی نیست.

بارالها! ای یاور هر گرونده تنها؛

و ای خوارکننده هر ستمکار گردنکش!

آنگاه که بیراهه ها، مردمان را سردرگم کنند،

و زمین با تمامی آنچه در بر گرفته، بر من تنگ آید؛ تنها پناهم تویی.

ای خدای بزرگ! از آفرینشم بی نیاز بودی و خلقم کردی،

و اگر یاری و دستگیریت نبود؛ از صفحه روزگار حذف می کردند.

ای آنکه مهر و احسان و بخششت را بر همه می گسترانی!

و افزایش و رشد و فراوانی و نیکبختی را؛

از سرچشمه ها و منابعش بیرون آوری!

مهربانا! ای آنکه در بلندای عظمت، نمایان گشتی!

دوستدارانت از بزرگی تو چه برتری ها که نیابند!

يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ  
فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي قَصَّرْتَ عَنْهُ خَلْقَكَ  
فَكُلُّكَ لَكَ مُذْعِنُونَ.  
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ،

وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي،

وَتُعَجِّلَ لِي الْفَرَجَ،

وَتُكَفِّرَنِي وَتُعَافِنِي،

وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي،

السَّاعَةَ السَّاعَةَ،

اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ،

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بِكِسَائِي وَمَسَاوَاتِي

٥ - عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -

فِي قِصَّةِ الْمَهْدِيِّ (عَج) وَفُتُوْحَاتِهِ:

يَقْتَسِمُونَ الْأَمْوَالَ،

حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ فِي الْفَيْءِ شَيْئاً وَاحِداً.

ای آن خدایی که سلطه‌گران، قید شکست از تو را به گردن دارند،  
و همارد از قهر و ابهت تو ترسیدند!  
می‌خوانمت! می‌خوانمت به آن نامی که مردمان آن را نیافته‌اند: گرچه  
به حقانیتت گردن نهاده، بر آستانت فرمانبر و فروتن‌اند.  
پروردگارا! می‌خوانمت و می‌خواهمت که: درود و احسان و مهر  
بی‌پایان بر محمد و «سلسله پیشوایان راهش» قرار دهی!  
ای خدای بزرگ! وظیفه و مسؤولیتت را عملی ساز!

و در کارم گشایش فرما!

ای که تنها تو را دارم! بی‌نیازم کن، سلامتم دار،  
و رستگاریم بخش و آرزوهایم را برآور!  
همین وقت و همین ساعت،

همین شبانه، همین امشب،

که تو بر هر کار توانا و قادری.

وقتی صف طویل درختان، سلام می‌گویند

در آفتاب می‌روییم

۵ - علی (ع) فرمود:

در آن هنگام؛ یاران امام [همه جا را در تصرف آورند]

و آنچه از مال گرد آید تقسیم نمایند؛

قسمت کردنی که تمامی خلائق در آن یکسان نگریسته شوند.

## بلندای آرزوهای علی؛ ظهور عدل و عدالت

٦ - عن أصبغ بن نباته قال أتيت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)  
فوجدته متفكراً ينعكس في الأرض فقالت: يا أمير المؤمنين (ع)  
ما لي أراك متفكراً تنكس في الأرض أرغبت فيها؟ فقال:  
لا والله ما رغبت فيها و لا في الدنيا يوماً قط،  
و لكن فكرت في مولودٍ من ولدي هو المهدى،  
يملاًها عدلاً

كما ملئت جوراً و ظلماً

تكون له حيرة و غيبة.

مشرق و مغرب؛ به يك محفل

٧ - و عن علي (عليه السلام) قال:

إذا قام قائم آل محمد (ص)

جمع الله له أهل المشرق و أهل المغرب،

فيجتمعون،

كما يجتمع قزح الخريف.

تو سرود ابر و باران، و ترانه بهاران

همه دشت؛ انتظار

۶ - چون یکی از یاران علی (ع)، او را اندیشناک دید که با انگشتانش بر زمین و شن‌ها خط می‌کشد، اظهار داشت: امیرا! چه شده که در خود فرو رفته‌ای؟ آیا در فکر دنیایی؟ و آن پیشوای دادگر جواب فرمود:

به خدا سوگند ذره‌ای به دنیا میل و آرزو ندارم،

ولیک به نوزادهای از دودمانم می‌اندیشم که نامش مهدی است.

جهان را از عدل و داد یکسره پر سازد،

و بساط گشایش فراهم آورد؛

آن هنگام که از فشار ظلم و ستم به تنگ آمده باشد.

عطر شگفتی، از همه سو جاری

کار و برنامه‌اش عجیب و شگفت‌آور و ناپیدائیش بینظیر و شگرف است.

شوق لظّة دیدار؛

پس از قرن‌ها انتظار

۷ - علی (ع) فرمود:

چون قائم آل پیامبر قیام کند؛

خداوند، مردم شرق و غرب جهان را براه او گرد آورد،

و مردمان چونان برگ درختان پاییز از رستنگاه خود جدا شده،

بدو می‌پیوندند.

كُرِّهِي قُرُونِ بَشَارِ تَشَانِ رَا مِيدَهْدِي وَرَا اسْفَاكِه مَا نَمِيشِنَاهِ بِيَدِ تَشَانِ؟!؟

٨ - قَالَ عَلِيُّ (ع):

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ،

وَهُوَ كَائِنٌ وَقْتاً مَرِيحاً،

فِيَا ابْنَ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ مَتَى تَنْتَظِرُ؟

أَبَشِرْ بِنَصْرِ قَرِيبٍ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ،

قَبَائِي وَ أُمِّي مِنْ عِدَّةٍ قَلِيلَةٍ

أَسْمَاؤُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ.

❑ ينابيع المودة: ٥١٢/٢

هَذَا مَدَّةُ قِيَامِ

٩ - سُئِلَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ! مَتَى يَظْهَرُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِكَ؟ فَقَالَ (ع):

لَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ،

حَتَّى يَكُونَ أُمُورُ الصِّبْيَانِ،

وَ تَضْيِيعِ حَقُوقِ الرَّحْمَنِ،

وَ يَتَغَنَّيَ بِالْقُرْآنِ بِالتَّطْرِيْبِ وَ الْأَلْحَانِ.

❑ دلائل الإمامة: ٢٥٤-٢٥٣

ای دورترین نقطه موعود

نزدیکترین مطلع فورشید

۸ - علی - که سلام خدا بر او باد - فرمود:

این حکم و امری خدایی است...

حادثه‌ای شدنی و هنگامه‌ای شادی‌آور و راحت‌افزا...

هان ای فرزندان گزیده‌ترین کنیزکان! تا کی صبوری کنی؟

مژده و بشارتت باد که یاری خداوند مهربان نزدیک و نزدیکتر است.

آنگاه علی (ع) - آن پیشوای مؤمنان - در وصف یاوران قائم افزود:

پدر و مادرم فدای آن اندک مردان و زنان نیک؛

که نزد زمین و زمینیان ناشناخته‌اند.

ای فورشید! کهکشانشان فاکستریمان را؛

رنگ طلایی امید زن!

تا شب، دیگر مجال تنفس نیابد.

۹ - از علی (ع) پرسیدند: قائم آل پیامبر کی به پامی خیزد؟ حضرت فرمود:

ظهور مهدی قائم آل محمد،

پس از آن هنگامی است که کارها دست کهتران افتاده باشد،

و حقوق پروردگار تباد و ضایع شود،

و قرآن را به آواز و برای خوشامد بخوانند.

أَشْكَارُ شَيْدِي نَبِيٍّ وَالْقَهْطَى خُدَّاءُؤَلَدِي وَغَسْتَرَشِي عَدْلِي وَذَانِي

١٥ - قال علي (ع):

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ  
الْمُظَهِّرُ لِلدِّينِ  
وَالْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ

قال الحسين (ع): فقلتُ له: يا أمير المؤمنين! وإن ذلك لكائن؟

فقال - عليه السلام -:

إي و الذي بعث محمدًا (ص) بالنبوة  
و اصطفاهُ علي جميع البرية،

و لكن بعد غيبة و حيرة،  
فلا يثبتُ فيها علي دينه،  
إلا المخلصون،  
المباشرون لروح اليقين،

الذين أخذ الله عزَّ و جلَّ،  
ميثاقهم بولايتنا،  
و كتبَ في قلوبهم الإيمان،  
و أيدهم بروح منه.



در این زمان بلافیز، شبهای گریه و غربت، شبهای انتظار.

۱۰ - علی (ع) به حسینش (ع) فرمود: آیا منم همان که تو می‌خواهی؟

نهمین نسل از فرزندان، با قیامش حق و حقیقت را زنده می‌دارد،  
دین واقعی خداوند را آشکار می‌سازد،  
و عدل و داد را بر پهنه گیتی می‌گستراند.

در اینجا حسین به پدر می‌فرماید: پدرم ای پیشوای مؤمنان! آیا این شدنی است؟  
پس علی (ع) بدو فرمود:

آری، قسم به آنکه محمد را به پیامبری برانگیخت،

و او را بر تمام آفریدگان برتری بخشید و برگزید؛

این آرمان تحقق می‌یابد،

ولی پس از غیبت و ناپیدائی آن آخرین پیشوا...

دورانی سخت و مردافکن که در آن جز پاکبازگانی که:

جان و حقیقت هستی را بی‌شک و شبهه و بایقین در برکشیده‌اند،

و پاکدلانی که نسیم و بوی خوش شادی و رحمت را دریافته‌اند؛

هیچکس بر دین و آرمانش پا برجا نمی‌ماند.

آن پاکبازانی که خداوند - برترین باد نام و شکوه جاودانه‌اش -

به دوستی و پیروی ما از ایشان پیمانها گرفته،

ایمان و باور را در قلبشان ثابت و استوار کرده،

و با روح و رحمت خود، نیرویشان داده و یاریشان نموده است.

## فأبوء ذي ظلم و شقاوت

١١ - عن أمير المؤمنين (ع):

تَسِعُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي،  
يَمَلُؤُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا بِهِ  
الْأَرْضَ نَوْرًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا،  
بَعْدَ جَوْرِهَا،

وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا،

وَ الَّذِي بَعَثَ أَخِي مُحَمَّدًا بِالنَّبِوَّةِ وَ اخْتَصَّنِي بِالإِمَامَةِ،  
لَقَدْ نَزَلَ بِذَلِكَ الْوَحْيِ مِنَ السَّمَاءِ،  
عَلَى لِسَانِ الرُّوحِ الْأَمِينِ جِبْرَائِيلَ.

## أز غامبت گه پر مامت

١٢ - قال أمير المؤمنين (ع):

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ  
وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعَمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا،  
بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ،  
وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ.

کجاست نور مهر، که پشمان فرو افتاده را بکشاید؟

۱۱ - امیر مؤمنان علی (ع) فرمود:

نهمین نسل از حسین؛ قائم آل محمد است که:

خداوند - بالابلند باد نام پرجبروتش - به او؛

فسردگی و سیاهی زمین را با نور و روشنی می پوشاند.

با دستان پر صلابتش بساط جور و ستم را در هم پیچیده،

عدالت و دادگری را جایگزینش می نماید و

ناآگاهی و جهالت را با پرتو پرفروغ علم و دانش، بی فروغ می سازد.

بخدایی که محمد را به پیامبری برانگیخت و مرا به امامت برگزید قسم!

که وحی آسمانی و جبرئیل؛ آن فرشته امین پروردگار،

نیز بدین امر گواهی داده است.

از پشت پرده‌ها و بدیها و کژیها مان

تو را نمی بینیم!

۱۲ - علی؛ آن پیشوای مسلمین فرمود:

زمین هرگز از نشانه و دلیل خدایی خالی نمی ماند، لیکن

زمانی می رسد که؛ خدای، چشمه‌ها را از حجت و دلیل برحقش می پوشاند،

چراکه آدمیان، ظلم و ستمها به بار آورده،

به بیهوده کاری و زیاده رویهای شخصی پردازند.

أَزْكَارُهُ كَرَامَةُ هَيْبَتِي أَلْفِي، قَامَتِي مَهْمَتَانِي خَيْرُ شَيْئَانِ

١٣ - وَأَسْنَدَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ إِلَى عَلِيٍّ (ع): قَوْلُ النَّبِيِّ (ص): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِإِمَامٍ جَائِرٍ،

وَإِنْ كَانَتْ فِي نَفْسِهَا بَرَّةٌ تَقِيَّةً،

وَلَأَرْحَمَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ،

دَانَتْ بِإِمَامٍ عَادِلٍ مِنِّي،

وَإِنْ كَانَتْ فِي نَفْسِهَا غَيْرَ بَرَّةٍ تَقِيَّةً.

قُلْتُ: فَكَمْ يَكُونُ بَعْدُكَ؟ قَالَ:

تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -

تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ،

يَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ،

فَكَمْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ،

كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ،

مَا يَكُونُ إِذْ نُودِيَ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ:

برای آفرین بار

۱۳ - علی (ع) از پیامبر (ص) و حضرتش از جانب پروردگار می فرماید:

یقیناً آن ملتی را که به پیشوای زورگویی تن دهد؛ عذاب خواهم کرد،  
اگر چه خود را نیک و پرهیزگار بیندارند.

و آن مردمی که پیشوای دادگستر ما را بپذیرند؛

اگر چه در حد بالای نیکی و پرهیز نیز نباشند،

به رحمت و آرامش در آورم.

و چون از حضرتش پرسیدند: «چه هنگامی این رویداد رخ می دهد؟» فرمود:

نهمین نسل فرزندان حسین،

- که بر تمامی آنان درود و سلام خدایی باد-

قیام‌گر و آخرین رزم‌آور نهایی ما است؛

که در نبودنش اهل آسمان و زمین در اندوهند و

پویندگان پاکدل زمان غیبتش از سرگشتگی، افسرده و پژمرده‌اند.

گویی هم اینک آنان را می بینم که ناامید و در افسوسند.

آه این چه بود

این نفس تازه

باز در ریه صبح

تا که ناگاد همچون ابر بهاری که بر گیاهان فسرده بیارد؛

با ظهورش دل مردمان شاد گردد، و این آنگاه است که:

نِدَاءٌ يُسْمَعُ مِنَ الْبُعْدِ كَالْقُرْبِ:  
أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.  
وَالثَّانِي: أَرْقَةَ الْآزِقَةِ،

وَالثَّالِثُ:

يَرُونَ بَدَنًا مَعَ قَرْنِ الشَّمْسِ  
أَنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ  
حَتَّى يَنْسِبُهُ إِلَى عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -

در قدسی؛ یا مسیح... در امتداد افق، تا اوج آفتاب

۱۴ - قال علی (ع): وَ يَدْخُلُ الْمَهْدَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ - بَيْتَ الْمُقَدَّسِ،  
وَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ إِمَامًا فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ قَدْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ،  
نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (ع) فَيَلْتَفِتُ الْمَهْدَى (ع)

فَيَنْظُرُ عِيسَى (ع) فَيَقُولُ لِعِيسَى: يَا ابْنَ الْبَتُولِ صَلِّ بِالنَّاسِ.  
فَيَقُولُ: لَكَ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ،

فَيَتَقَدَّمُ الْمَهْدَى - ع - فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ  
وَ يُصَلِّي عِيسَى - ع - خَلْفَهُ، وَ يُبَايِعُهُ.

انگار زمین و آسمان و برگ و سنگ طبیعت از بی عدالتی بتالند،  
و یکصداندا سرکنند که: نفرین خدایی بر نابکاران ستمگر.  
دگر بار ندایی برمی خیزد که: اینک هنگامه قیام و قیامت است.

او در امتداد افق، تا اوج آفتاب

ایستادن را روح بفشد

در این هنگام از کناره‌های افق،

قامتی همتای خورشید فراز آید و باز ندایی برمی خیزد که:

خداوند او را؛ همان که پدر و خاندانش تا علی بن ابیطالب را می شناسید  
برانگیخت. آری؛ خداوند، مهدی - آن قائم آل محمد - را برانگیخته است.

تو بیا و نماز کن!

تا قبله جان بگیرد!

۱۴ - امیرمؤمنان (ع) فرمود: چون مهدی به قدس درآید؛ روز جمعه است،

و مردم با وی آماده نماز می گردند.

در این هنگام عیسی (ع) بدو می پیوندد، و مهدی بزرگش داشته،

بدو فرماید: ای زاده بتول! تو با مردم نماز بگزار،

و عیسی گوید: هر آینه نماز و نیاز برای تو برپایند.

پس مهدی پیش می ایستد و نماز برپا می گردد،

وز آن پس عیسی باوی پیمانها بندد.

اسلام سترون نيمست و فرزندان زهراي خوي را ناره

١٥ - قال علي بن أبي طالب (ع) مررت برسول الله فخرج و أتى المنبر فقال:

أحد عشر إماماً بعد أخى،

واحداً بعد واحدٍ،

كلما هلك واحدٌ،

قام واحدٌ،

مثلهم في أمّتي كمثل نجوم السماء كلما غاب نجمٌ،

طلع نجمٌ،

إنّهم أئمةٌ، هداةٌ، مهديّون،

هم حجج الله في أرضه،

و شهداؤه على خلقه.

لا يضرُّهم كيد من كادهم،

ولا خذلان من خذلهم،

بل يضرُّ الله

بذلك من كادهم،

و خذلهم،



آنک حضور ناگهانی فورشید

آنک ترنم باران، نوای بهاران

۱۵ - علی (ع) می فرماید: روزی رسول خدا (ص) به مسجد در آمد و فرمود:

پس از برادرم علی، یازده امام - چون خورشیدی درخشان -

مسلمانان را ره می نمایند.

هر گاه یکی از ایشان بر خاک افتد،

دیگری پرچمش را بر دوش می کشد...

همچون ستارگان آسمان، که هر گاه یکی غروب کند؛

دیگری درخشش آغازد.

پیشوایانی ره یافته بر یقین و رهنما بر آیین...

نشانگران خدایی در زمین و شاهدان خلق؛

گواهانی امین.

از نیرنگ و مکر افسونگران، بدیشان آسیبی نرسد،

و از خواری ناهلان نیز، بدیشان گزندى نه.

که کید نیرنگ بازان و خدعه سازان فریبکار؛

دامن خودشان را خواهد گرفت،

و با ظهور قائم برحق آل محمد،

طومار ننگینشان،

در کام هفت لایه سیاهی و ظلمتها مدفون می گردد.

رَهَائِي اَز بِلَا وَ فِتْنَتِه مَهَا

١٦ - قال على عليه السلام:

فَانظُرُوا اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ،

فَاِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا،

وَ اِنْ اَسْتَنْصَرُوكُمْ فَاَنْصُرُوهُمْ،

فَلْيُفَرِّجَنَّ اللهُ الْفِتْنَةَ،

بِرَجُلٍ مِّنْ اَهْلِ الْبَيْتِ،

بِابِي ابْنِ خَيْرَةَ الْاِمَاءِ،

لَا يُعْطِيهِمْ اِلَّا السَّيْفُ،

هَرْجًا هَرْجًا.

بِي تَكْيِدِ گَاهِ وَ اَمِيْدِ

١٧ - قال امير المؤمنين (ع):

لَا تَنْفَكْ هَذِهِ الشَّيْعَةُ حَتَّى تَكُوْنَ بِمَنْزِلَةِ الْمَعْرِزِ فَلَيْسَ لَهُمْ

شَرَفٌ يُشْرِفُوْنَهُ، وَ لَا سِنَادٌ يَسْتَنْدُوْنَ اِلَيْهِ فِي اُمُوْرِهِمْ.

تا ناکهان حضور تو

۱۶ - پیشوای مؤمنان فرمود:

پیرویتان تنها از خاندان پیامبرتان باشد،  
و پس و پشت آنان گام زنید و الگویشان گیرید.  
چون حرکت و قیامی نداشتند، شما نیز آرام و قرار پیشه کنید،  
و هرگاه از شما یاری طلبیدند، یاریشان کنید،  
جهان: بر مدار ظلم می‌چرخد،  
تا ناکهان حضور تو، فطّ پایان نابکاران شد

که خداوند به مردی از ما خاندان پیامبر،  
مردم را از بلاهای ننگ آور و فتنه‌های رسواساز رهایی بخشید....  
پدرم فدای آن فرزند گزیده‌ترین کنیزکان! ...  
[ آنروز او در ب‌خانه‌های ستم و سلاح را، به نفع مردمان می‌گشاید. ]  
و سلاح و مهمّات را بیدریغ در اختیار آنان مینهد.

پروازها میان قفس؛ نه دل نه امید  
آوازها به مرثیه بس؛ نه لب نه سرود

۱۷ - امیر مؤمنان (ع) فرمود:

آنزمان، شیعه نه بزرگی و شرفی دارند که بدان افتخار جویند،  
و نه تکیه‌گاهی که در مشکلاتشان بدان دستی آویزند.

١٨ - عن أمير المؤمنين (ع) قال:

لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنَّا الْقَائِمُ،  
يَقْتُلُ مُبِغِضِينَا،

وَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَالأَصْنَامَ،  
وَتَضَعُ الحَرْبَ أَوْزَارَهَا،

وَيَدْعُو إِلَى أَخْذِ المَالِ فَيُقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ،  
وَيَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ.

عاقبت، سبيده مي دمد

١٩ - عن عليّ (ع) قال:

مَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ

فَلَا يَطْعَنُ بِرَمْحٍ وَ لَا يَضْرِبُ بِسَيْفٍ وَ لَا يَرْمِي بِحَجَرٍ  
وَ أَصْبِرُوا! فَإِنَّ العَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ.

☑

الخصال: ٥٧٩/٢-٥٧٢

اثبات الهداة: ٢/٣-٤٩٦

البحار ٣١ ص ٤٤٣

☑

كنز العمال: ١١/٢٥٩-٢٥٩ حديث (٣١٤٥٢)

بامه غیبتت را در افکن!

که صبح دیدارت، کافهای ستم را،

به آفرین دور تباهی فواید راند

۱۸- امیر مؤمنان فرمودند:

دنیا آرام و قرار نگیرد تا قیامگر ما خاندان بپا خیزد،

دشمنان را از میانه بردارد، و

نشانه‌های کفر و گمراهی و بتها که مردم را به ذلت کشانده‌اند، می‌شکند.

بار سنگین جنگها را بر زمین نهد و

وسایل و ادوات جنگی را از رده خارج و ضایع سازد.

آنچه مال گرد آید به مساوات قسمت نماید،

و عدل و داد را میانه مردم قرار بخشد.

ققنوس‌های جهان

در انتظار آتش عشق تو

می‌زیند و می‌زایند

۱۹- حضرت علی (ع) فرمود:

هر که آنزمان را دریابد؛

نیزه‌ای نیندازد، شمشیری نکشد و سنگی نیندازد...

و صبر پیشه کنید! که عاقبت و فرجام کار از آن پرهیزکاران است.

## گازِ درستانِ روزگارِ مهدی

۲۰ - قال علی - علیه السلام -

و تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا

و يَقُولُ الْقَائِمُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - كُلُوا هَنِيئًا

بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ،

فَالْمُسْلِمُونَ يَوْمَئِذٍ

أَهْلَ صَوَابٍ لِلدِّينِ.

أَذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ

فَيَوْمَئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ:

«أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ،

فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ و أَنْفُسُهُمْ،

أَفَلَا تُبْصِرُونَ.

## خوشترین لحظه های خوشی

۲۱ - عَنْ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ:

إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ:

إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (ص)،

فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ،

و يَشْرَبُونَ حُبَّهُ،

و لَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرِهِ.



مختصر بصائر الدرجات: ۱۹۵ و ۲۰۱



ابن حنّاد: ۹۲ الحاوی: ۶۸/۲ منتخب الاثر: ۴۴۳ و ۱۶۳ ملاحم ابن طاووس: ۵۹

معیار تا همیشه زیبایی! حضور تو کی گسترده بر جهان؟

۲۰ - پیشوای متقیان فرمود:

چون قائم بپاخیزد زمین گنجهایش را بیدریغ بر مردمان بگشاید، و

مهدی فرماید: گوارایتان باد! خوش باشید و شاد بهره‌ور شوید،

که در زمانهای پیشینتان بسیار سختی و ستم کشیده‌اید.

در آنروز هر نیکوکاری مسلمان است و مسلمانان؛

همه اهل درستی و صفای در دینند،

و خداوند بدیشان «نشان سبز سخن» می‌بخشاید.

آنروز تاویل این آیه باشد که:

آیا نمی‌بینید که آب را به زمین خشک هدایت می‌کنیم،

وز آن پس حاصلی رویانیم که عالم و آدم از آن سیر بخورند.

آیا این آیات و نشانه‌ها را در نمی‌یابید؟

۲۱ - علی (ع) فرمود: بر چشم او، شراب کهن

آنگاه که منادی از آسمان ندا کند و در اطراف و اکناف، صداها در پیچد که:

حق را در خاندان محمد جستجو کنید.

آنروز نام مهدی (ع) بر زبانهای مردم جاری خواهد بود،

و دوستیش را چون شرابی سر می‌کشند،

و جز او یادی و زکری برایشان نخواهد بود.

كُلُّهُرٍ مَعْمُورَةٍ شَدِيدَةٌ تَمُوتُ، مَرِيحٌ تَمُوتُ دَائِدٌ بِعَيْنِهِ

٢٢ - قال علي (ع) في تفسير سورة النور:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوتَةٍ

فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...»

فَالْمِشْكَاةُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)

وَالْمِصْبَاحُ الْوَصِيُّ، وَالْأَوْصِيَاءُ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -

وَالزُّجَاجَةُ فَاطِمَةُ، وَالشَّجَرَةُ الْمُبَارَكَةُ، رَسُولُ اللَّهِ (ص)

وَالكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ،

الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ...

قَالُوا أَقْرَبْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.

فَأَرْسَلْتُ وَتَمَّغَايَ قَدَمَتَا!

٢٣ - عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ:

سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ لَا يَمُرُ بِنِعْمَةٍ إِلَّا أَزَالَهَا،

الْوَيْلُ لِمَنْ نَاوَاهُ،

فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يَظْفِرَ وَيُدْفَعُ بِظْفَرِهِ إِلَى،

رَجُلٍ مِنْ عِترَتِي يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ.

المحكم و المتشابه: ٤ و ٢٥ البحار: ٩٣/٢٠٣

غيبة النعماني: ٢٥٠-٢٤٩



به آواز صبح پیوستیم.

۲۲ - علی (ع) در تفسیر آیه نور فرمود: به زایش هماره سرگاهی افق

مشکات و جایگاه نور؛ رسول خدا،

چراغ؛ وصی او و فرزندان او - سلام بر تمامی آنان -

و آبگینه و نگهدار نور از شرار توفانها،

و جلوه دهنده روشناییها؛ فاطمه است.

درخت سعادت آفرین و مبارک، و نماد خوشبختی و افتخار؛ پیامبر است،

و آن گوهر یکدانه و تک ستاره درخشان؛

امام قائم منتظری است که زمین را از عدل و داد پُر سازد،

و بر این عهد و میثاق؛

پیامبران پیشین به پیشگاه پروردگارشان پیمان سپردند.

۲۳ - علی (ع) فرمود: ای آفرین پناه در بدریها و یأسها

روزگاری میرسد که سلطه گران و حکمفرمایان هر نعمتی را نابود کنند

و ای بر آن کسی که آنروز را دریابد، و آن سلطه را رو به رو شود...

و میگذرد و میگذرد، تا مردی از سلاله من پیرویشان را بدل میزند،

و فتح و کامیابی را برمیگرداند. او؛ آنکه حق می گوید و بدان عمل کند.

٢٤ - عن أمير المؤمنين - عليه السلام -:

كُلُّ ذَلِكَ لِتَمِّ النَّظْرَةِ الَّتِي أَوْحِيَهَا اللَّهُ تَعَالَى لِعَدُوِّهِ إِبْلِيسَ،  
إِلَى أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ،

وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ،

وَيَقْتَرِبُ الْوَعْدَ الْحَقِّ، الَّذِي بَيَّنَّهُ فِي كِتَابِهِ، بِقَوْلِهِ:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ،

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»

وَذَلِكَ إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا أَسْمُهُ،

وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ،

وِغَابِ صَاحِبِ الْأَمْرِ بِإِيضَاحِ الْغَدْرِ لَهُ فِي ذَلِكَ،

لِاسْتِمَالِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْقُلُوبِ،

حَتَّى يَكُونَ أَقْرَبُ النَّاسِ إِلَيْهِ،

أَشَدَّهُمْ عَدَاوَةً لَهُ،

وَ عِنْدَ ذَلِكَ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ،

بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا،

وَيُظْهِرُ دِينَ نَبِيِّهِ (ص) عَلَى يَدَيْهِ،

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ،

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

رستغیز می‌شود و ریشه‌ها دوباره جوانه زنند

۲۴ - امیرمؤمنان فرمود:

چون مهلت خدایی تمام آید،

و وعده‌های پروردگار درست آید،

و دست سرنوشت سازش نزدیک آید؛

نویدی را که در قرآن بیان داشته عملی کند، آنجا که می‌فرماید:

«بشارت من بر آن بندگان که نیکو گرویدند و نیکو عمل کردند...

بشارتشان باد که کلید فتح زمین به دستشان سپرده خواهد شد.»

و این، پس از آن خواهد بود که از اسلام جز نامی،

و از قرآن جز پوسته و ظاهری باقی نماند،

و صاحب امر دین - آن سرچشمه علوم و عهده‌دار امور -

چون می‌بیند که در دین بدو خیانت شده و

دلها را مالا مال فتنه کرده‌اند رخ در پوشیده،

چرا که نزدیکترین مردمان به او، بالاترین دشمنی را با وی می‌کنند.

در این هنگام است که خداوند توسط آنان که هیچ حساب نشوند،

و در نظر نیابند؛ او را یاری دهد،

و دین پیامبرش را بدست وی آشکار می‌سازد،

و بر تمامی راهها برتریش می‌دهد،

اگرچه مشرکان و دوگانه پرستان را ناپسند آید.

ہمدگی:

ہمدگیوں و ہمدگیوں،

در جشن پیر و زری . . .

۲۵ - قال علی (ع):

فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ،

أَصْحَابَهُ،

عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ وَ عَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ طَالُوتِ،

ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا،

كَأَنَّهِمْ لِيُوثُ خَرَجُوا مِنْ غَابَةِ،

قُلُوبُهُمْ مِثْلُ زُبْرِ الْحَدِيدِ،

لَوْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ،

لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا،

الزِّيُّ وَاحِدٌ، وَاللِّبَاسُ وَاحِدٌ،

كَأَنَّهُمَا آبَاؤُهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ.

ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ،

مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ إِلَى مَغْرِبِهَا، فَيَلْحَقُونَهُ،

ای تلاطم کرانه‌های وجود!

ای گسترده در نهایت فویش!

خورشید را بیافرین!

بر پلّه‌های عروج،

بر فرشهای نور...

که ما را در آن سهمی است

۲۵ - علی (ع) فرمود:

خدای - که پر شکوه و شوکت باد نام و یادش -

یارانش را گرد آورد؛

یارانی هم شمار جنگندگان بدر و در اندازه یاران طالوت پیامبر؛

سیصد و سیزده نفر...

همچون شیرانی برآمده از زمینهای انبوه و مستعد...

همرهانی با قلبهایی محکم و استوار؛

که اگر اراده نابودی کوههای بالا بلند را کنند،

از جای خود محوشان سازند.

آنان همگون و هماهنگ‌اند،

گویا سرچشمه و محل رشدشان یکجا بوده است.

پس از آن خداوند، یاران و اطرافیان را؛

هم از شرق و هم از غرب عالم و از هر جمع و گروهی گرد آورد.

و يُكثِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَمْعَهُ، وَ يَشُدُّ ظَهْرَهُ،  
وَ يَسِيرُ وَ رَأَيْتُهُ أَمَامَهُ  
وَ تَسِيرُ الْجُيُوشُ فِي هُدُوءٍ وَ رِفْقٍ.  
فَيْسِيرُ الْمَهْدِيُّ (ع) بِمَنْ مَعَهُ،  
لَا يُحَدِّثُ فِي بَلَدٍ حَادِثَةً،  
إِلَّا الْأَمْنَ وَ الْأَمَانَ وَ الْبُشْرَى،

وَ عَنِ يَمِينِهِ جَبْرِيلُ وَ عَنِ شِمَالِهِ مِيكَائِيلُ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ -  
وَ النَّاسُ يَلْحَقُونَهُ مِنَ الْآفَاقِ،  
حَتَّى يَلْحَقُوا السُّفْيَانِيَّ  
وَ يَغْضِبُ سَائِرَ خَلْقِهِ عَلَيْهِمْ،  
حَتَّى الطَّيْرِ فِي السَّمَاءِ فَتَرْمِيهِمْ بِأَجْنِحَتِهَا،  
وَ إِنَّ الْجِبَالَ لَتَرْمِيهِمْ بِصُخُورِهَا،  
فَيَكْبُرُونَ،  
وَ يُهَلِّلُونَ،  
وَ يَحْمِدُونَ اللَّهَ تَعَالَى.  
فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ (عَجَّ):  
شَأْنُكُمْ وَ إِيَّاهُ،  
أَصْنَعُوا بِهِ مَا شِئْتُمْ.

خداوند، جمعشان را گسترش داده، پشت و پناهِش را محکم می‌نماید،  
پس آنگاه سپاه عدالت؛ - در آرامی و همراهی و دوستی -  
به دنبالش ره می‌سپرنند...  
و مهدی با هر آنکه با او است؛  
به گوشه کنارها و همه جا سر می‌زند،  
و در هر جا و همه جا جز امن و امان و بشارت روی ندهد.  
و پرچم فتح و هدایت جلودارشان است،  
جبریل و میکال در دو سمتش جلوه می‌فروشند،  
و مردم شکوهش را می‌نگرند و از هر کران بدو می‌پیوندند،  
و ظالم و ظلمت پرستان را ره می‌بندند.  
تا جائیکه ریزه ریزه جسم و جان طبیعت نیز،  
با پر و بال و هر امکانی به جنگ با سیاهی و شب پرستان برمی‌خیزد،  
و کوهها و صخره‌ها سنگ بارانشان کنند،  
پس آنگاه جشن پیروزی برپا گردد،  
و مردم، خدای را به بزرگی یاد کنند و  
فریاد شادی و تسبیح و حمد خدا همه جا را پر نماید.  
[و یاران مهدی، آن کنند که خواهند،  
و نمی‌خواهند جز آنچه مهدی خواهد؛  
و آن عدالت است و نیکی و بشارت].

## قانون هستي

٢٦ - قال على (ع):

اللَّهُمَّ فَلَا بُدَّ لَكَ

مِنْ حُجَجٍ فِي أَرْضِكَ،

حُجَّةٌ بَعْدَ حُجَّةٍ،

عَلَى خَلْقِكَ،

يَهْدُونَهُمْ إِلَى دِينِكَ،

وَيُعَلِّمُونَهُمْ عِلْمَكَ،

لَكَ لَا يَتَفَرَّقُ أَتْبَاعَ أَوْلِيَائِكَ،

إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِي حَالِ هُدُنْتِهِمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ،

فَلَنْ يَغِيبَ عَنْهُمْ مَبْثُوثٌ عِلْمِهِمْ،

وَأَدَابُهُمْ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ،

مُثَبَّتَةً،

وَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ،

لَوْ كَانَ مَنْ يَسْمَعُهُ بِعَقْلِهِ فَيَعْرِفُهُ،

وَيُؤْمِنُ بِهِ وَيَتَّبِعُهُ،

وَيَنْهَجُ نَهْجَهُ،

فَيَفْلِحُ بِهِ.



چون بوی گل؛ در جنبش باد

یا موج عشق؛ معنی دمیدن روز

۲۶ - علی (ع) فرمودند:

خداوندا! قانون طبیعت و نظام خلقت را بر این نهادی که:

حجّتهای برحق و نشانه‌های حقیقت - یکی پس از دیگری -

بر خلق، رهنما باشند،

مردمان را به دین و آئینت بخوانند،

و دانشها و علومی که بدیشان نمایاندی را آموزش دهند،

تا پیروان راه و دوستدارانت بر محور حق گرد آیند،

و پراکندگی نگیرند...

اگرچه در حال آتش‌بس با حکومت‌های باطل؛

در میان مردم، حرکت و فعالیت مشهودی ندارند، ولی

دانش و فرهنگ و روش‌های پسندیده و خوی خوششان؛

چون نسیم هوا و عطر گل در دلهای گروندگان می‌پراکند

و ثابت و پایدار به راه حقشان می‌خواند،

و به کردار نیکشان می‌گرایاند...

بخدا که هر کس با شناخت و آگاهی آنرا دریابد،

و با جانش درآمیزد و آنرا پی گیرد و ره سپرد؛

به رهایی و رستگاری می‌رسد.

هر زمانى؛ نسمع فرورانى

٢٧ - قال على (ع): اللَّهُمَّ! بَلَى،

لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ،

إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا،

وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا،

لِتَلَّا تَبْطُلَ حُجَجَ اللَّهِ،

وَبَيِّنَاتِهِ،

وَكَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ؟

أَوْلِيكَ وَ اللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا،

بِهِمْ يَحْفِظُ اللَّهُ،

حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ،

حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَائِهِمْ،

وَ يَزَرَعُونَهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ،

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمَ،

عَلَى حَقِيقَةِ الْأَمْرِ،

فَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ،

فَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرْفُونَ

وَ أَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ،

نام تورا، تمام بهت‌ها آواز می‌کنند

۲۷ - علی (ع)، آن پیشوای مؤمنان فرمود: آری ای خدا!

زمینت هرگز از بپا دارندهٔ دلیل بر راهت خالی نمی‌ماند.

و اینان یا هویدا و آشکارند و نامدار،

و یا بزرگوار و گمنامند و برحذر از فتنه‌ها و کیده‌ها...

تا حجت‌های خدایی و روشنگری‌ها به راهش هر زمان؛

درخششی تازه یابند و گرد بیهودگی بر آستانشان ننشینند...

آه که چندانند و چونند؟ ... و کدامند و کجایند؟

بخدا که آنان اندکند ولی نزد خدا جایگاهی بس رفیع دارند.

چرا که پروردگار به واسطهٔ آنان،

دلایل روشن راهش را پاینده می‌دارد،

تا آنان نیز به هم پیمانانشان بسپارند،

و در قلبه‌اشان بکارند و پابرجایش بدارند...

آنچنان دانششان فراگیر است،

و انسان به سرچشمهٔ حقیقت ره یافته‌اند،

که روح یقین و حقیقت هستی را در برکشیده‌اند.

آنچه را جاهلان از آن وحشت دارند؛ همدم گرفته،

با آن انس یافته‌اند.

صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرَوَّاحُهَا،  
مُعَلَّقَةٌ بِالمَحَلِّ الأَعْلَى.  
أولئك خُلَفَاءَ اللّهِ فِي أَرْضِهِ وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ،  
آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ.

الغارات: ١/ ١٥٤-١٤٧

بريك هسيير

٢٨ - قال أمير المؤمنين - عليه السلام -  
يا مالك بن زمرة! كيف أنت إذا اختلفت الشيعة هكذا؟  
- و شبك أصابعه و أدخل بعضها في بعض -  
فقلت: يا أمير المؤمنين! ما عند ذلك من خير؟

قال (ع):

الخير كله عند ذلك،

يا مالك!

عند ذلك يقوم قائمنا.

غيبة النعماني: ٢٠٦ بشارة الاسلام: ٤٨ اثبات الهداة: ٣/ ٥٣٧

روزگار را می‌گذرانند؛ اما روح و جانشان،  
پیوسته، مشتاق پرکشیدن به آن سرای جاوید و جاودانی است.  
اینانند جانشینان خدا در زمینش و خوانندگان به دینش...  
آه آه که چه شوقی به دیدنشان دارم.

کجاست زورق امید

کجاست ساحل میعاد

کجاست فرصت دیدار

کجاست آشیانهٔ ایمن

۲۸ - امیر مؤمنان به یکی از یاران چنین فرمود:

ای مالک! چگونه‌ای تو آن هنگام که شیعیان از هر طرف به پروپای  
خود بیچند و با یکدیگر معارضه نمایند؟

و مالک جواب داد: [آنزمان مرا به کار نیاید] و در آن هنگامه خیری نیست؟

که حضرت پاسخ فرمود:

تمام خیر و همهٔ خوبی آن هنگام در می‌رسد...

قیام کنندهٔ ما بپا می‌خیزد و [پس از کشاکش و درگیریها]،

مردم را بر یک مسیر گرد آورد.

گجایبی ای یگانہ دُرّ و خمشان

۲۹ - قال علی (ع): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى  
أَخْفَى أَرْبَعَةً  
فِي أَرْبَعَةٍ:

أَخْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ،  
فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ طَاعَتِهِ،  
فَرُبَّمَا وَافَقَ رِضَاهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ  
وَ أَخْفَى سَخَطُهُ فِي مَعْصِيَتِهِ،  
فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ مَعْصِيَتِهِ،  
فَرُبَّمَا وَافَقَ سَخَطُهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ،  
وَ أَخْفَى إِجَابَتُهُ فِي دُعَائِهِ،  
فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئاً مِنْ دُعَائِهِ،  
فَرُبَّمَا وَافَقَ إِجَابَتُهُ  
وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ،  
وَ أَخْفَى وَ لِيَّهِ فِي عِبَادِهِ،  
فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ،  
فَرُبَّمَا يَكُونُ وَ لِيَّهِ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ.

کمال الدین: ۱/۲۹۷-۲۹۶ النخصال: ج ۱ - ص ۰۹ المعانی الاخبار: ص ۱۱۲

۲۹ - مولای متقیان علی بن ابی طالب (ع) فرمود: خداوند - بلند باد نام گرانقدرش -

### چهار ویژگی و صفتش را،

وابسته به چهار گرایش و عمل بندگانش کرده،

و آن چهار امر را در دل این چهار رکن پنهان نموده است:

رضایت و خشنودیش را در اطاعت و پیروی از نیکیها قرار داده است،

پس فرمانبریش را کم مشمرید که ندانسته از راه سعادت بی بهره

مانید. چه بسا که با همان کار کم، خشنودیش بدست آید.

و نیز بدانید که خشمش از پس گناه و نافرمانی سر بر میزند، پس

گناهی را دست کم مگیرید، که ندانسته به وادی غضبش رانده شوید.

چه بسا که آن گردنکشی پیش پا افتاده خشمش را برانگیزد.

او همچنین بر آوردن خواسته‌هایتان را در دل دعا و خواندنش نهاده

است. پس، از نیایش و درخواست کم مگذارید چه بسا خواندن و

دعایی که موافقتش را جلب نموده، اجابتش را تضمین نماید و شما

ندانسته رنگین کمان خیر و خوبی را از دست بدهید.

و آخر اینکه یگانه دُرّ هدایت را نیز در میانهٔ مردمان پنهان داشته است.

پس هیچ بنده‌ای را کوچک شمارید،

که چه بسا "ولیّ خدا" باشد و شما ندانید.

ای نجات آیه‌ها در عمق چشم‌هایت

در قرآن کریم

بی پیشوا و پیشوا،

بی پیشوا و پیشوا

۳۰ - قال علی (ع):

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا،؟

... بِإِمامٍ هُدًى،

و لا عَلمَ يُرى،

يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ.

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا،؟

... بِإِمامٍ هُدًى،

و لا عَلمَ يُرى،

يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ.



ای برق آرزو!

در فرمن نا امیدی و بیتابی

ای آب روان!

به تشنه لبان و پرده زنان به دشت عقیم

گل بی فزان!

قلبهای یغ زده‌مان؛

با یاد تو تپش یابد

۳۰ - علی (ع) فرمود:

چگونه روزگار می‌گذرانید آن هنگام که:

بی‌پیشوا و رهنمایی باقی مانید؟

چگونه‌اید آن روزگاری که نشانه‌ای بر راهی دیده نشود؟

در آن هنگامه؛ آشفتگی چنان مرزهای فکریتان را درهم میریزد و

روابط اجتماعی‌تان را مخدوش می‌سازد که:

[همدلی و همبستگی را وانهاده]

گروهی از شما از پاره‌دیگرتان بی‌زاری می‌جوید.

چه می‌کنید آن هنگام! آن هنگام که:

شمائید بی‌پیشاهنگ و پیشوایی و بی‌نشانه‌راهی.

[چون لشکری بی‌نظم چنان درهم ریزد که:]

به صفوف خود حمله خواهید کرد.

در اضطراب و آشوب، آرام بگیری

۳۱ - عن أمير المؤمنين - عليه السلام - أنه قال:

الزُّمُوا الْأَرْضَ

وَأَصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ،

وَلَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سِيُوفِكُمْ،

و هَوَى السِّنْتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يُعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ.

فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ،

وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ رَبِّهِ

وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، مَاتَ شَهِيداً،

أَوْ قَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نُويَ مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ،

وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاحِهِ بِسَيْفِهِ،

فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجْلاً.

۳۱ - امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند:

برقرار بمانید و حرکتی نداشته باشید،

[که در اضطراب و آشوب به آرامش محتاج‌ترید،

تا سرگشته و حیران نشوید،

و راه و مسیر را گم نکنید]

پس پابرجا مانید و بر سختیها و ناگواریها شکیبنا باشید،

نیرو و شمشیرهایتان را بکار نیندازید،

سکوت پیشه کنید و بر آنچه خدا بر شما مقدر داشته،

و سرنوشتی که برایتان رقم زده است پیشی مگیرید.

هر که از شما با شناخت خدا،

و معترف بر حقانیت پیامبر و خاندان گرامیش بر بستر بمیرد،

به مقام و منزلت شهیدان نایل گشته است،

و خداوندش پاداشی در خور دهد و درجه‌ای و الایش بخشد،

و هر عمل شایسته‌ای را که در نیت آورده باشد، ثوابش دهد.

قصدونیت‌های نیک او جای شمشیر کشیدنش را پُر میکند.

بدرستی که هر کاری زمان و سرآمدی دارد.

دل؛ پر از آرزوی دور و دراز

جان؛ پر از امید، مست عشق ناب

٣٢ - عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ:  
... ثُمَّ يَظْهَرُ قَوْمٌ ضُعَفَاءُ  
لَا يُوبَهُ لَهُمْ،

قُلُوبُهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ،  
هُم أَصْحَابُ الدَّوْلَةِ،  
لَا يَفُونَ بِعَهْدٍ وَ لَا مِيثَاقَ،  
يَدْعُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهِ،  
أَسْمَاؤُهُمُ الْكُنْيَى،  
وَ نِسْبَتُهُمُ الْقُرَى،  
وَ شُعُورُهُمْ مِرْحَاةٌ،  
حَتَّى يَخْتَلِفُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ،  
ثُمَّ يُؤْتِي اللَّهُ الْحَقَّ  
مَنْ يَشَاءُ.

در شبی چنین

که ظلمت از هزار سو

گشوده دست

کجاست روزن امید

کجاست امید رهایی

۳۲ - علی (ع) فرمود:

... سپس گروهی ناتوان و سست بر سر کار آیند،

و حکومت و فرمانروایی را بدست گیرند.

بدانان اعتنایی نشود،

دل‌هایشان چون تکه‌های آهن گداخته، سخت است،

... آنان صاحبان سلطه و قدرتند،

به هیچ عهد و پیمانی پایبند نمی‌مانند،

به حق می‌خوانند و از اهلش نیستند،

برای خود لقب و عنوان دست و پا کنند،

حال آنکه اصل و نسبی ندارند.

عقل و شعورشان پاره سنگ می‌برد...

انسان که در پیشامدها و مشکلاتشان درهم می‌ریزند.

آنگاه است که پروردگار برحقّ،

حقّ را از آنجا که خواهد، برمی‌کشد.

هز دورانی؛ مهر تابانی

۳۳ - عن علیّ أنّه قال النّبیُّ (ص):

أَمِنَّا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ

أَمْ مِنْ غَيْرِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال (ص):

بل منا،

يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ،

كَمَا فَتَحَ بِنَا رَبَّنَا،

يَسْتَنْقِذُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ

كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشُّرْكِ،

و بِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، بَعْدَ عِدَاوَةِ الشُّرْكِ،

و بِنَا يُصْبِحُونَ بَعْدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا

كَمَا أَصْبَحُوا بَعْدَ عِدَاوَةِ الشُّرْكِ

إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ.

❑ كنز العمال: ۱۴/۵۹۸-حدیث (۳۹۶۸۲) كشف الغمه: ۲/۴۸۳ و ۴۷۳ بحار الانوار: ۵۱/۸۴ و ۹۲

۳۳ - آن هنگام که علی (ع) از پیامبر (ص) پرسید:

ای رسول خدا! آیا «مهدی» از ما - سلسله آل محمد - است  
یا از خاندان دیگری برمی خیزد؟

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

مهدی از همین سلسله و دودمان است،

خداوند، راه را با او به پایان می رساند،

همچنان که آن را با ما آغازید و

آنسان که مردمان از شرک و دوگانه پرستی رهایی یافتند؛

او در زمانی دیگر آنان را از فتنه ها آزادی می بخشد.

آری همچنانکه اینک پس از آن دشمنیها و ناسپاسیهای کفرآلود،

- در دین و آیین - برادر گشته اند،

آنگاه نیز خداوند به وسیله ما؛

دلهای مملو از کینه های شرک آلودشان را،

با محبت به هم گروه،

و با ما است که پس از کینه های فتنه انگیز، برادری و همدلی یابند.

با واژه های تو،

من. مرگ را معاصره کردم

با یادت ای زلال - زندگی را - زمزمه کردم

ذال به خور شيد كه هييم

٣٤ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي قَالَ (ع):  
إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ، وَ لَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ،  
فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ،  
إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ،  
مَادَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ ...،  
وَ الْمُنتَظِرُ لِأَمْرِنَا  
كَالْمُشْحَطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

بي تگيه گاه و پناه

٣٥ - عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّهُ قَالَ:  
الْإِسْلَامُ وَ السُّلْطَانُ الْعَادِلُ أَخَوَانُ،  
لَا يُصْلِحُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ،  
الْإِسْلَامُ أَسُّ وَ السُّلْطَانُ الْعَادِلُ حَارِسٌ،  
وَ مَا لَا أَسَّ لَهُ فَمُنْهَدِمٌ،  
وَ مَا لَا حَارِسَ لَهُ فَضَائِعٌ، فَلِذَلِكَ  
إِذَا رَحِلَ قَائِمُنَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ  
وَ إِذَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ  
لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الدُّنْيَا.

الخصال: ٢/٦١٠ و ٦١٦ و ٦٢٥ البحار: ٥٢/١٢٣

اربعون الخاتون آبادی: ٢٠٣ منتخب الاثر: ٢٧٣



دریا! به استغاثه ساحل جواب گو

۳۴ - امام جعفر صادق از جدشان امیرالمؤمنین - علیهما السلام - نقل کردند:

فرج و گشایش را انتظار کشید... و نا امید از رحمت پروردگار نباشید.

همانا که بهترین کارها به پیشگاهش؛

دل سپردن و چشم دوختن به طلوع خورشید ظهور است؛

تا آن هنگام که «به این چشم براهی و درنگتان» ملتزم و پایند باشید.

و آنکه وزیدن نسیم خوش صفا و شادی ما را انتظار کشد؛

همچون کسی است که به راد خدا در خون خود بغلطد.

۳۵ - پیشوای مؤمنان علی (ع) فرمود:

اسلام و حکمران عدالت پیشه، دو برادر و همزادند،

که هیچکدامشان کارآمد نیستند مگر با دیگری.

اسلام؛ اساس و پایه است و حاکم عادل؛ حافظ و نگهبان.

آن بنایی که اساس و پایه نداشته باشد؛ خراب می گردد،

و آنچه نگهبانی نداشته باشد؛ تباد می شود

و این فلسفه وجودی امام قائم است.

طلعت زرّینی از شکوفه نرگس، می دمد آیا؟

نکته فوشبویی از کوی یار، می وزد آیا؟

در قہرہما و غمہم ز رنگ پی شہمی خوشن دوست

۳۶ - قال أمير المؤمنين (ع): قوام الدين بأربعة:

بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لَهُ،

و بِغَنِيٍّ لَا يَبْخُلُ بِفَضْلِهِ عَلَى أَهْلِ دِينِ اللَّهِ،

و بِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ،

و بِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ.

فَإِذَا كَتَمَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ،

و بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَالِهِ،

و بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ،

و أَسْتَكْبَرَ الْجَاهِلُ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ،

رَجَعَتِ الدُّنْيَا إِلَى وِرَائِهَا الْقَهْقَرَى،

فَلَا تُغَرِّنُكُمْ كَثْرَةُ الْمَسَاجِدِ،

و أَجْسَادِ قَوْمٍ مُخْتَلِفَةٍ.

قیل: یا امیر المؤمنین! کیف العیش فی ذلک الزمان؟

فقال عليه السلام:

«خالطوهم بالبرانية، و خالفوهم فی الباطن.

المرء ما اكتسب،

و هو مع من أحب

۳۶ - امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند:

دین بر چهار پایه برقرار گشته است،

و این چهار ستون مایه استواری دین‌اند.

اول: دانشمندِ سخن‌سنجِ نیک‌رفتار.

و دوم: توانگری که از زیاده‌بخشیش به دینداران راه خدا کوتاهی نکرده، بخل نورزد.

سوم: تنگدستی که آخرت و آرمانش را به دنیا نفروشد.

و چهارم: ناآگاهی که در کسب دانش، تکبر نورزد.

پس آن هنگام که دانشور؛ دانشش را پوشیده دارد،

و توانگر؛ مالش را دریغ دارد،

و تهیدست؛ آخرتش را بدنیافروشد،

و جاهل؛ از کسب دانش سرباززند،

دنیا به پس‌پشت خود برگشت می‌نماید،

پس زیادی مساجد، فریبتان نداده مغرورتان نکند.

گفته شد: ای پیشوای مؤمنان! زیستن در انزمان را چگونه ارزیابی می‌نمائید؟

پس حضرت فرمود:

آشکارا با مردم بیامیزید ولی از ایشان رنگ نگیرید،

که هر فرد؛ آمیزدای است از آنچه کسب کرده،

و به هرچه دل دهد، رنگ همان را گیرد...

و انتظروا مع ذلك الفرج من الله عزّ و جلّ»

ويرأيه: آباء

٣٧ - خَطَبَ عَلِيٌّ (ع) بِالْكُوفَةِ وَ قَالَ:

يُوشِكُ أَنْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ

وَ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ.

مَسَاجِدُكُمْ يَوْمِيذٍ عَامِرَةٌ وَ قُلُوبُكُمْ وَ أَبْدَانُكُمْ خَرِبَةٌ مِنَ الْهُدَى،

شَرٌّ مَنْ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ فُقِّهًا وَكُمْ،

مِنْهُمْ تَبْدُو الْفِتْنَةَ،

وَ فِيهِمْ تَعُودُ.

إِذَا كَانَ الْفِقْهُ فِي رِذَالِكُمْ

وَ الْفَاحِشَةُ فِي خِيَارِكُمْ،

وَ الْمَلِكُ فِي صِغَارِكُمْ،

فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُومُ السَّاعَةُ.

در بیگانگی و دوریت!

لظه‌های همیشه‌مان

بی نگاهت، تهی مانده از نور

آری! در آن هنگام، گشایش و رهایی را؛

از ناحیت خداوند- بزرگ و پرشکوه باد نام وی- انتظار برید.

۳۷ - حضرت علی (ع) در خطبه‌ای فرمودند:

زمانی میرسد که از اسلام جز نامی،

و از قرآن جز ظاهری نمی‌ماند.

در آنروز مساجدتان آباد، و قلب و دل‌های دور از هدایتتان ویرانه است،

آسمان سایه نیفکند بر بدتر از دانشمندانتان،

شر و فتنه و آشوب از آنان برمی‌خیزد،

و رسوایی و گمراهی نیز بدانان باز می‌گردد.

آنگاه که گروهی رذل و پست، ژرف‌اندیشی را در دست گیرند،

و برگزیدگان شما بدکارانتان باشند،

و حکمرانی و کار به دست کهترانتان باشد؛

ناگاه قیام و قیامت قائم ما بر پا می‌شود.

در دوراهی سیاهی و سپیده‌دم

نیاز و هر دعای من؛ انتظار بارشی است در کویر

## پناه خدايي

۳۸ - عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ:

سِتُّ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ:  
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ  
الَّذِي يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ،  
وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ،  
وَ يُنَاصِحُهُ الْوِلَايَةَ،  
وَ يُعْرِفُ فَضْلِي وَ يَطَأُ عَقْبِي،  
وَ يَنْتَظِرُ عَاقِبَتِي.

ليقوم الناس بالقسط

۳۹ - عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: تَمَلَّأُ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا،

حَتَّى يَدْخُلَ كُلُّ بَيْتٍ خَوْفٍ وَ حُزْنٍ،  
يَسْأَلُونَ دِرْهَمِينَ وَ جَرِيْبَيْنِ فَلَا يُعْطَوْنَهُ،  
فَيَكُونُ قِتَالٌ بِقِتَالٍ وَ يَسَارٌ بِيَسَارٍ،  
حَتَّى يُحِيطُ اللَّهُ بِهِمْ فِي مِصْرِهِ،

ثُمَّ تَمَلَّأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا.

النهار: ۲۷/۹۰-۸۹، ج (۴۱) المحاسن: ۹/۱

كنز العمال: ۵۸۶/۱۴ حديث (۳۹۶۵۹)

۳۸ - مولای متقیان علی (ع) فرمودند:

هرکس این شش ویژگی را داشته باشد؛

بداند که بیمه شدۀ خداوندی است،

و خداوند، او را برگزیده و دوستش دارد:

مسلمانی که آنچه را خود دوست دارد برای برادرش نیز بیسندد،

و آنچه را بد انگارد برای برادرش نیز خوش نداشته باشد،

همواره دوستی و پیروی ما را یادآور باشد،

برتری ما را بشناساند، از راه ما پیروی کند،

و آن پیشوایی را که در نهایت کار می آید؛ انتظار کشد.

با صد نگاه فسته، صدا می زنم ترا

۳۹ - حضرت علی (ع) فرمود: آنگاه که زمین را سرتاسر ظلم فراگیرد، تا؛

در هر کاشانه و زیر هر سقفی ترس و اندوه راه یابد،

بر سر دو درهم مال و دو وجب زمین درگیر شوند،

و قتل و کشتار راه اندازند،

ناگاه امر خداوندی در زمینش بر آنان فرود آید...

ای ناگهان! در پس شهر و محبت، شهر یأس و تباهی

ای وایۀ زندگی، فیمۀ مهربانی

پس از آنست که زمین را عدل فراگیرد، و قسط و مساوات همگانی شود.

## ترو خشك با هم!

٤٥ - قال علي بن أبي طالب - عليه السلام -

إذا كان زعيمُ القومِ فاسقَهُم،  
وَأَكْرَمَ الرَّجُلُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ،  
وَعُظْمَ أَرْبَابِ الدُّنْيَا،  
وَأَسْتُخِفَّ بِحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ،  
وَكَانَتْ تِجَارَتُهُمُ الرِّبَا وَ مَا كُلُّهُمْ أَمْوَالَ الْيَتَامَى،  
وَعُطِّلَتِ الْمَسَاجِدُ،  
وَأَكْرَمَ الرَّجُلُ صَدِيقَهُ، وَ عَقَّ أَبَاهُ،  
وَ تَوَاصَلُوا عَلَى الْبَاطِلِ وَ عَطَّلُوا الْأَرْحَامَ،  
وَ اتَّخَذُوا كِتَابَ اللَّهِ مَزَامِيرَ،  
وَ تَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ أَكَلَ الرَّجُلُ أَمَانَتَهُ،  
وَ أَوْثَمِنَ الْخَائِنُ وَ خُوِّنَ الْأَمْنَاءُ،  
وَ اسْتُعِمِلَتِ كَلِمَةُ السُّفَهَاءِ،

و زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ زُخْرِفَتِ الْكِنَائِسُ،  
وَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ،



آه‌ای اقیانوس بی انتهای نجات و زیبایی

ای نماد شکوه و عصمت و تنهایی

مرا با این مردابهای مرده کاری نیست

۴۰ - پیشوای متقیان حضرت علی (ع) فرمود:

آنگاه که بزرگ مردمان؛ فاسق‌ترینشان باشد،

و شرور برای پرهیز از شرّش احترام شود،

و صاحبان ثروت و قدرت، بزرگ شمرده شوند،

و عاملان و حاملان قرآن؛ خوار شمرده شوند،

و تجارت بر اساس ربا باشد و مردم بر سفرهٔ یتیمان گرد آیند،

و مساجد مهمل و بیهوده ماند،

فرزندان؛ دوست را گرامی داشته پدرانیشان را نافرمانی کنند،

و یکدیگر را به باطل سفارش نمایند، ارتباط با خویشان را ببرند،

کتاب آسمانی را به صوت و آواز مبدّل کنند،

در غیر دین دقیق شوند، امانت را به راحتی تصرف کنند،

و خیانتکار مورد اعتماد قرار گیرد و امینان مورد خیانت واقع شوند،

کلام سفیهان و سخن بی‌خردان؛

فرهنگ عمومی و زبان رایج روز گردد،

و مساجد و کلیساها تزئین شوند،

صحبت‌های بیجا و مهمه در مساجد بالا گیرد،

وَأَتَّخَذَتْ طَاعَةَ اللَّهِ بِضَاعَةً،

وَكَثُرَ الْقُرَاءُ،

وَقَلَّ الْفُقَهَاءُ،

وَأَشْتَدَّ سَبُّ الْأَتْقِيَاءِ،

فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَقَّعُوا رِيحاً حَمْرَاءَ وَخَسْفاً وَمَسْحاً

وَقَذفاً وَزَلْزَلَةً وَأُموراً عِظَاماً.

به ظالم روو نبياوريند

٤١ - أَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّهُ قَالَ:

يَأْتِيكُمْ أُمْرَاءُ كَفَرَةٌ،

وَأَمْنَاءُ خَوْنَةٌ وَعُرْفَاءُ فَسَقَةٌ،

فَتَكْثُرُ التُّجَّارُ وَتَقِلُّ الْأَرْبَاحُ وَيَفْشُو الرِّبَا،

وَتَكْثُرُ أَوْلَادُ الزَّانَا وَتَغَمَّرُ السَّفَاحُ،

وَتَتَنَاقَرُ الْمَعَارِفُ وَتَعْظُمُ الْأَهْلَةُ.

فسئل عنه: يا أمير المؤمنين

و كيف نضنع في ذلك الزمان؟ فقال:

الهرب الهرب فإنه لا يزال عدل الله مبسوطاً على هذه الأمة

ما لم يمل قراؤهم إلى أمرائهم،

و اطاعت خداوندی همچون کالا مورد تجارت قرار گیرد،

قاریان و خوش خوانان فزونی گیرند،

و ژرفاندیشان در دین کم شوند و

ناسزاگویی به پرهیزکاران فزونی یابد،

در این هنگامه‌ها باد سرخ و شکافته شدن زمین و زلزله‌ها

و پدیده‌هایی هولناک و شگفت آور را متوقع باشید.

در مرکبوم بیابان و در هراس شب دم به دم ظلمت افزا

هر گوشه؛ صد پستی ذلت آور؛ هویدا

۴۱ - مولای متقیان علی (ع) فرمودند:

بر شما زمانی میرسد با فرمانروایانی حق پوش،

و امین شمردگانی خیانتکار و عارفانی فاسق.

آنهنگام تجار فزونی یابند و سودها کم شود. رباخواری علنی شده،

فرزندان نابکاری و مراوده و روابط حرام زن و مرد فزونی یابد،

و خوبیها ناشناخته ماند.

در این هنگام مردی از علی (ع) پرسید:

ای پیشوای مؤمنان! در آن هنگام چه باید کرد؟ و حضرتش فرمود:

فرار و فرار که همواره عدل خدایی بر این مردم می‌گسترده تا آنگاه که

قاریان قرآن به پادشاهان و فرمانروایان رو نیاورند،

و ما لم يزل أبرارهم ينهى فجارهم،  
فإن لم يفعلوا ثم استنفروا فقالوا: لا إله إلا الله في عرشه:  
كذبتهم لستم بها صادقين.

روثني چشم شما

٤٢ - قال امير المؤمنين (ع):

و لو قد قام قائمنا،  
لأنزلت السماء قطرها،  
وأخرجت الأرض نباتها،  
وليدهب الشحاء من قلوب العباد،  
وأصلحت السباع والبهائم،  
حتى تمشي المرأة من العراق إلى الشام،  
لا تضع قدمها إلا على النبات،  
وعلى رأسها زيتها،  
لا يهيجها سبوع ولا تخافه،  
لو تعلمون ما لكم في مقامكم بين عدوكم،  
وصبركم على ما تسمعون من الأذى لقرت أعينكم.

و نیکان؛ بدکاران را از بدی باز دارند که اگر چنین نکنند و با این حال،  
ذکر خدا؛ لقلقهٔ زبانشان باشد خداوند در عرشش فرماید:  
دروغگوئید و از صدق و راستی بویی نبرده‌اید.

ای امید طلایی! بیا و بر تاکها

شرابی سرخ

سبز کن!

۴۲ - امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند:

آنگاه که قائم ما آل محمد بپا خیزد؛

آسمان بارشش را باز یابد،

و زمین؛ گیاه و همهٔ توان درونیش را بیرون دهد،

و کینه و دشمنی از دل بندگان برود،

و هر صنفی بیکدیگر صلح و آشتی یابند.

آنگونه که زن از ملکی به مملکتی دیگر سفر کند،

و پایش را جز بر گیاه ننهد،

و با زینت و زیبایی و جلوهٔ هایش؛

نه از درنده‌ای بترسد و نه وحشتی نماید.

اگر بدانید آنچه را خواهید دید، و آنچه را بدان دست می‌یابید؛

چشمانتان روشنی یابد.

ره يافتگان!  
گرو هم آئید..

۴۳ - قال أمير المؤمنين علي (ع):

و يُنادى مُنادٍ في رَمَضانَ مِنْ نَاحِيَةِ المَشرِقِ،  
عِندَ طُلُوعِ الشَّمسِ:

يا أَهلَ الهُدَى اجْتَمِعُوا،

و يُنادى مِنْ نَاحِيَةِ المَغربِ بَعدَ ما تَغيبُ الشَّمسُ:

يا أَهلَ الهُدَى اجْتَمِعُوا،

فَيُفرِّقُ بَينَ الحَقِّ و الباطِلِ،

و يَبعثُ اللّهَ الفَتيةَ مِنْ كَهفِهِم إِلَيْهِم،

و يَسيرُ الصِّديقُ الأَكْبَرُ،

بِرايَةِ الهُدَى و السَّيفِ ذِي الفَقارِ،

فَيَهْدِمُ مَسجِدَ الكُوفَةِ،

ای آبادی آفرین‌تر از آب! چهره گشا  
تا فوشه‌های باران، بر تن فستق زمین ریزد  
در آئینه جهان نگرا تا زمین گیاهش را برویاند  
پاشنه پایت را بر زمین بکش!  
تا نشان سبز طراوت بگیرد از قدمت  
تا بشکفتد... تا سبز شود، کران تا کران  
ای صدای پایت، پایان رنج ما و نوید گشایش گنج‌ها

۴۳ - امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

آنروز فرا می‌رسد که در ماه رمضان در ناحیه‌ای از شرق،  
و هنگام دمیدن خورشید منادی ندا خواهد کرد:

«ره یافتگان؛ گرد هم آیید.»

باردیگر از غرب و بعد از خفتن خورشید، باز بانگ برمی‌خیزد که:

ره یافتگان؛ گرد هم آیید...

پس آنگاه میان حق و باطل، جدایی کامل گردد.

سپس اصحاب کهف نیز از غارشان برانگیخته شوند،

و آنگاه برترین صدیق و یار،

- آن درست کردار -

با پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار جلوه می‌کند،

و چون به کوفه درآید مسجد کوفه را خراب نموده،

و يُبْنِيهِ عَلَى بَنَائِهِ الْأَوَّلِ،  
و يَهْدِمُ مَا دُونَهُ مِنْ دُورِ الْجَبَابِرَةِ.  
فَيَخْطُبُ النَّاسَ،  
فَتَسْتَبِشِرُ الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ،  
و تُعْطَى السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ الشَّجَرُ ثَمَرَهَا،  
وَ الْأَرْضُ كَأَنْعَامِهِمْ،

وَ يَقْدِفُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الْعِلْمَ،  
فَلَا يَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَى مَا عِنْدَ أَخِيهِ مِنْ عِلْمٍ،  
فَيَوْمئِذٍ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ:  
«يُعْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ».  
وَ تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضَ كُنُوزُهَا،  
وَ يَقُولُ الْقَائِمُ:

كُلُّوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ،  
فَالْمُسْلِمُونَ يَوْمئِذٍ أَهْلَ صَوَابٍ لِلدِّينِ،

نَشَائِدُ سَبِيْرِ سَخْنِي  
أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ.



و باز از نو، مسجدی بر آیین مسلمانی بنا می‌نهد،  
و تمامی آثار بجامانده از ستمگران رانابود می‌سازد...  
پس آنگاه با مردم سخن می‌آغازد،  
و زمین و زمینیان را به عدل و داد و برابری بشارت می‌دهد.  
آسمان؛ باریدنش را و درختان، میوه دادن،  
و زمین؛ رویاندن را از سر گیرند.  
این هنگام است که زمین بر زمینیان جلوه یافته،  
خوش تزیین یابد.  
و دانش، در دل مؤمنان افکنده می‌شود؛  
آنسان که کسی در علم، محتاج دیگری نیست.  
آنروز تاویل این آیه است:  
خداوند، همه را در گشایش و بخشش، بی نیازی می‌بخشد.  
زمین؛ گنجهایش را بر همگان می‌گشاید،  
و آن پیشوای پیروز - قائم آل محمد - فرماید:  
خوش باشید و نیک بهره بگیرید که بد ایّامی را سپری کرده‌اید...  
در آنروز مسلمان؛ آن نیکوکردار و نیک سرشتی است  
که پندار و کردارش یکسان باشد.  
آنروز آنان هریک در گفتار، نشان و اجازه سبز می‌یابند.

٤٤ - عن علي (ع):  
...وَلَا يَقْبَلُ الْجَزِيَّةَ

الخصال: ٥٧٩/٢ - ٥٧٢ اثبات الهداة: ٣/٣٩٦

بشارت عهدین ۹

بشارت علی (ع)

۴۴ - امیر المؤمنین علی (ع) فرمودند:

مبارکتان باد! که او؛

آن اصلاحگر دین و دنیا،

جزیه‌ای از شما نمی‌پذیرد،

رشد فکریتان را ارج می‌نهد،

و شما یان را - پشت در پشت هم - به دنبال مسیح،

به صفوف یارانش می‌خواند.

وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ  
وَقَالَ إِنِّي لِأَجْدُرِيحَ يَوْسُفَ  
فَأَرْتَدَّ بِصِيرًا

هان! که اگر چشم از زرق و برق جهان بپوشانی؛  
به عیان می بینی که:  
عطر وجودش، فضای جهان را فراگرفته و  
نور حضورش، همه چارا در نور دیده است.

## در زلال زمزم دوست

آیا به آن دشت پریشان که خیمه گسترده‌ای، راهی هست؟  
آیا به آن دیار که شبها آسمان را می‌نگری و  
با خدایت راز و نیاز می‌کنی، راهی هست؟  
ما را به آنجا ببر! ما با توایم!  
رازت در سینه‌مان خواهد ماند...  
تا آن زمان که به دیوار کعبه تکیه دهی و  
عالم و آدم به پیشگاهت در آیند...  
و نام مبارکت، در زلال زمزم زمان جاری شود.

کرشمه تو شرابی به عاشقان پیمود  
که علم بی خبر افتاد و عقل بی حس شد  
ز بوی تو دل بیمار عاشقان چو صبا  
فدای عارض نسرین و چشم نرگس شد

خداوندا! ستارگانی را بر کشیدی و بر اوج فلک، مقامشان بخشیدی  
تا دلیل راه باشند و حق بر جایگاهش، شکوه یابد و باطل چیرگی نیابد.  
اینان هر یک، بر عهدش وفا نمود و خلف وعده‌ای ننمود.  
سختیها را به جان خرید و سر بر راهت سپرد...  
تا واپسین ستاره... یکی را در آستین پنهان خلقتت، رخ پوشاندی،  
و غیبتش را هویدا کردی!

و حال ما در فراقش با ناله و اشک و ماتم و غم می سراییم که:  
راه کجاست؟ و حق کجا؟  
نیکان کجایند و خورشیدهای تابان کجا؟  
پرچم‌های راه و پایه‌های آگاهی و روشنی کجا؟  
مهتاب فروزنده فلک کجا است و ستارگان درخشان آسمان کجا؟  
ای خدا! آن ذخیره‌ات از خاندان نور و وحی کجاست؟  
او که برای ریشه کنی ظلم و فقر و فساد آماده‌اش ساختی کجاست؟  
او را که در انتظار اصلاح کجی‌ها و ناراستی‌ها است؛ تا کی انتظار کشیم؟  
ای خدایی که نامت را زداینده غمها و بلاها نهاده‌ای!  
به درگاہت شکوه می‌کنیم!  
ای که بیچارگان را چاره‌ای! به فریادمان برس!  
گرفتاریم! رهنمایمان فرست!  
سوز و گداز و تشنگیمان را به او بزد!  
تو خود؛ او را پناه و نگهدار ما آفریدی!  
تو خود؛ او را امامان کردی!  
تو خود؛ او را مایه زندگی کردی!  
چرا به ما نمی‌نمائیش؟.. چرا به ما نمی‌نمائیش؟  
بارالها! چه کنیم که از او بی‌خبریم! لطفی کن و یادش را از ما بگیر،  
و با انتظارش ایمانمان را بیفز!

ای زادهٔ نجابت و پاکی، و ای برخاسته از نیکی و آگاهی!  
ای زادهٔ اختران فروزان و راه درخشان!  
ای زادهٔ روشهای روشن و دلایل آشکار و برهان‌های رسا!  
کاش می‌دانستم...

کاش می‌دانستم کدامین مکان در برت گرفته است؟  
و بر کدامین اوج، در فرازی؟  
کاش می‌دانستم ماه را از کدامین گوشه می‌نگری؟  
یا در کدام راه می‌گذری؟  
به صفاکی صفا دهی و مدینه را کی عطر آگین کنی؟  
پرده را کی استلام کنی و حجر را کی؟  
سعیت کی است و خانه را از کدامین سو نظر کنی؟  
خانه با تو چه می‌گوید و تو کی به آن جان بخشی؟  
ای نشسته در شکوه و اوج و بلندی!  
سخت است که دیگران؛ جلوه‌فرو شدند، و تو؛ غایبی!  
دیگران میدان دارند، و تو؛ نفس و رازت آشکاره نیست...  
کجایی تا به پایت شکوه کنیم و ناله سراییم!  
ای آرمانی که هم‌تراز نداری!  
جانمان فدات! تا کی سرگردانی کشیم!

سخت است که دیگران بتازند و تو می‌نگری!  
سخت است که دیگران پاسخم دهند و تو خامشی!  
تو بیا بگو!

تو بما بگو!

تو بیا بگو!

\* \* \*

کو یاوری که بگرییم!  
کو هم‌رهی که بنالیم!  
کو همدمی که سراییم:  
ای زاده پیامبر! کدامین راه به تو می‌رسد؟  
یا در کدامین اوج می‌توانمت دید؟  
آیا شب جدایی و فراق،  
به فردای وصل و پیوند، گره می‌خورد،  
تا جان یابیم؟  
آیا از این کویرهای تشنگی و برهوت و سیاهی،  
به چشمه‌های زلال هدایتت راهی هست،  
تا سیراب شویم؟  
از آتشیهای فتنه و فریب، راهی به زمزم گوارایت هست،  
تا زنده شویم؟



تشنگی‌مان طاقت فرسا شده است...

کدامین صبح یا کدام شب، شرفیاب درگاهت شویم؟

تا چشمانمان روشنی یابد؟

و از مهرت بهره بریم؟

ای منتها امید و تنها پناه!

ای منتها امید و تنها پناه؛ بیداد را کی براندازی؟

واجبات و آیین دین را کی تازه کنی؟

دین واقعی خدا را کی بازگردانی؟

قرآن و احکامش را کی زنده کنی؟

کجایی که بنیاد شرک و دورنگی را براندازی؟

و کاخ فسق و طغیان را ویرانه کنی؟

سرشاخه‌های گمراهی و جدایی را بر کنی؟

و کج‌دلی و هواپرستی و دروغ و افترا را نابود کنی؟

پرچم فتحت کی سرافرازی کند،

تا سبز در زرد قدس بیامیزد،

و رنگین‌کمان عدالت جلوه یابد؟

تو امام مردم باشی و دشمنان را خوار کنی و سرکشان را بر کنی،

و ما شکر خدا گوییم، و گل بر افشانیم و

دست افشان غزل خوانیم و پا کوبان سراندازیم!

ای پیشوا و پیشاهنگ!

آنچه از دین محو شده، در دولتت از نو بیاور!

آنچه از احکام و روشها تبدیل یافته، اصلاح نما...

تا تر و تازه و بی کجی، با عدالتت،

آتش فتنه و کانون فساد خاموش گردد.

پایگاهی بر اهل ظلم نگذار و بیداد را برانداز،

ترکتازیشان را بی اثر کن و سلاحهاشان را ضایع نما...

چرا که خوبی را با بدی جایگزین کردند،

و بندگان را گرفتار نمودند،

و آبادیها را ویران ساختند،

و شهرها را در مسیر خرابی انداختند.

بیا! . . .

بیا و با آمدنت، مردگی از دلها ببر،

قلبها را شفا بخش و اندوه ماتم از ما بگیر،

بنندگان را در دولتت از ذلت و خواری رهایی بخش،

و شهر و دیار عالم را؛ با وجودت آباد و پر نعمت و امن و پر آسایش ساز.

بیا! . . .

بیا و با هر قدمت ذلت را در کام خود کامگان بریز!

و به شمشیر قهرت، سردستگان گمراهی را درهم شکن!

تا در شرق و غرب و برّ و بحر و کوه و صحرا؛  
از آن نابکاران دیتاری نماند،  
و زمین پاک و طاهر گردد،  
و تا دل‌های پر غم بندگان شاد شود.

\* \* \*

ای خدای پر شکوه و با عزّت!  
سلام و تحیّتمان را به او برسان و از کرامتت بدان بیفزا!  
ما را به جایگاهش در آور،  
مقاممان بخش،  
و با پیشوائیش، نعمتت را بر ما تمام کن!  
ای خدا! حالمان گرفته است!  
حق را به او برپا دار و باطل را به او نابود کن!  
سایه‌اش را بر ما بگستران که بی منتها فلک زده‌ایم.  
دستمان را به دامنش برسان که سخت غریب و تنهاییم.  
خدا! بخت را همراهمان نما تا حقوقش را ادا کنیم!  
مهر و رحمتش را به ما ارزانی دار!  
و دعای خیرش را نصیبمان کن،  
تا از فیضش، به رحمت همه گیرت در آییم.  
و کامیاب درگاهت شویم.

خدایا! نظری کن تا بزرگی و کمال بر ما بال بساید،

و از دم پر نظرش، تبرک یابیم،

و در "گریدور" سبزش از آتشها مصون مانیم.

صبح امید که بُد معتکف پرده‌ی غیب

گو برون آی که کار شب تار، آخر شد

آن پریشانی شبهای دراز و غم دل

همه در پرتو خورشید نگار آخر شد

و تا خدا چه خواهد...

و بندگان چه کنند...



أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا  
فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا  
وَأَتُونَ بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ  
وَأَدْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمِنِينَ

مهدی جان!

اگر ما را به خیمه گاهت راهی نیست ،

حرفی نیست...

تنها پیراهنت را که با عطر وجودت درآمیخته است ،

بر صورتمان افکنند.

باشد تا بیناثیمان را بدست آوریم و

به «مصر»ت درآییم و در امن وامانت پناه گیریم.